

## پیوند سنت و تجدد در شعر رشید یاسمی

دکتر سید جمال‌الدین مرتضوی

عضو هیأت علمی دانشگاه یزد

### چکیده

استاد رشید یاسمی از چهره‌های برجسته فرهنگ و هنر ایران است که به شیوه‌ای اصولی به موضوع نوآوری در زمینه شعر فارسی اندیشیده‌اند. در این مقاله، پس از مروری کوتاه بر زندگی و دستاوردهای علمی آن استاد، به جایگاه شادروان رشید یاسمی در شعر معاصر و نوآوری‌های آن پرداخته می‌شود. زبان شعر او تلفیقی از عناصر کهن و نو با حفظ هماهنگی و همسانی لفظ و محتواست. واژگان او نیز همین حالت را دارد. او در شعر خود از صور خیال، به گونه‌ای آگاهانه بهره برده و بویژه در عرصه تشبیه، نوآوری‌هایی هم دارد. همچنین در شعر او قالبهای متنوعی دیده می‌شود. از نظر سبک نیز نشانه‌هایی از سبک‌های سنتی در اشعار او دیده می‌شود. به علاوه، مضامین جدیدی هم در اشعار او می‌توان یافت که از وسعت اطلاعات و ابتکار او در فن شعر حکایت دارد.

کلیدواژه: سنت، تجدد، شعر نو، شعر سنتی، زبان شعر، طرز سخن، مضمون کلام.



از معدود کسانی که به شیوه‌ای اصولی همانند نیمایوشیج به موضوع نوآوری در شعر فارسی اندیشیدند، شاعر، محقق و مترجم برجسته ایرانی، استاد رشید یاسمی بود. غلامرضا، فرزند محمد ولی خان میرپنج، در سال ۱۲۷۵ در کرمانشاه به دنیا آمد.<sup>۱</sup> نسبت وی از طرف مادر به خسروی، صاحب داستان معروف «شمس و طغرا» می‌رسد.<sup>۲</sup> پس از گذشت دوران کودکی و اتمام تحصیلات اولیه، در سال ۱۲۹۱ به تهران آمد و در مدرسه «سن لویی» با زبان و ادب فرانسه آشنا شد. در مدت حیات، در مناصب متعدد دولتی خدمت کرد که مهمترین آنها استادی کرسی درس تاریخ اسلام در دانشگاه تهران بود. بر اثر توانایی شگرف در فن ترجمه از زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسه و پهلوی، آنگونه که برگردانهای وی «هیچ رنگ و بوی ترجمه نداشت»<sup>۳</sup>، از طرف فرهنگستان ایران به همکاری دعوت شد.

آخرین سخنرانی علمی رشید یاسمی در تالار دانشکده ادبیات دانشگاه تهران درباره «تأثیر حافظ در افکار گوته» برگزار شد که ضمن آن، استاد دچار سکته شد و حدود دو سال بعد، در سال ۱۳۳۰، دیده از جهان فرو بست.<sup>۴</sup>

از رشید، بجز دیوان اشعار و منتخباتی که به همت مؤسسه خاور در سال ۱۳۱۲ چاپ شد، آثار ارزشمندی به شرح ذیل بر جای مانده است:<sup>۵</sup>



### الف) تألیف

- آیین نگارش تاریخ، تهران: چاپ اول، ۱۳۱۶.
- احوال ابن یمین، کتابخانه شرق، تهران، چاپ اول، ۱۳۰۴.
- احوال سلمان ساوجی، کتابخانه شرق (بدون تاریخ).
- ذیلی بر ترجمه جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران، تألیف ادوارد براون، انتشارات روشنایی، تهران: چاپ اول، ۱۳۱۶.
- پرورش افکار به وسیله تاریخ، کتابخانه شرق، تهران: چاپ اول، ۱۳۱۶.
- تاریخ مختصر ایران، انتشارات وزارت فرهنگ، تهران: چاپ اول ۱۳۱۸.
- تاریخ ملل و نحل، انتشارات مؤسسه وعظ و خطابه، تهران: چاپ اول ۱۳۱۷.
- قانون اخلاق، انتشارات خاور، تهران: چاپ اول، ۱۳۰۷.

- کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او، انتشارات تابان، تهران: چاپ اول، (بدون تاریخ).

### ب) گزینہ، تصحیح و تحشیه

- گزینہ اشعار فرّخی سیستانی، انتشارات وزارت فرهنگ، تهران: چاپ اول، ۱۳۱۹.  
- گزینہ اشعار مسعود سعد سلمان، انتشارات وزارت فرهنگ، تهران: چاپ اول، ۱۳۱۹.

- دیوان خسروی کرمانشاهی، کتابخانه شرق، تهران: چاپ اول، ۱۳۰۳.

- دیوان مسعود سعد سلمان، انتشارات ادب، تهران: چاپ اول، ۱۳۱۸.

- دیوان هانف اصفهانی، انتشارات خاور، تهران: چاپ اول، ۱۳۰۷.

- سلامان و ابسال جامی، کتابخانه شرق، تهران: چاپ اول، ۱۳۰۶.

- مقدمه بر دوبیتی‌های باباطاهر همدانی، نشریه ارمان، تهران: چاپ اول، ۱۳۰۶.

- دوره سه ساله نامه فرهنگستان، انتشارات وزارت فرهنگ، تهران: چاپ اول، ۱۳۲۴.

- نصایح فردوسی، انتشارات خاور، تهران: چاپ اول، ۱۳۰۶.

### ج) ترجمه

- آیین دوست‌یابی، تألیف دیل کارنگی، کتابخانه شرق، تهران: چاپ اول، ۱۳۲۰.

- آثار ایران، تألیف آندره گدار، کتابخانه شرق، تهران: چاپ اول، ۱۳۱۹.

- ایران در زمان ساسانیان، تألیف کریستین سن، انتشارات تابان، تهران: چاپ اول، ۱۳۱۷.

- تاریخ ادبیات ایران، تألیف ادوارد براون، جلد چهارم، انتشارات وزارت فرهنگ، تهران: چاپ اول، ۱۳۱۶.

- تاریخچه نادرشاه، تألیف مینورسکی، نشریات کمیسیون معارف، تهران: چاپ اول، ۱۳۱۳.

- تاریخ عمومی قرن هجدهم - آلبر ماله، نشریات کمیسیون معارف، تهران: چاپ اول، ۱۳۱۳.



اوّل ۱۳۱۰.

- چنگیزخان، تألیف هارولد لمپ، نشریات کمیسیون معارف، تهران: چاپ اوّل،

۱۳۱۳.

- رمان "کنت دومتگمری"، نشریات کمیسیون معارف، تهران: چاپ اوّل، ۱۳۱۴.

- رمان "فلیسی" از دوسگور، انتشارات ابن سینا، تهران: چاپ اوّل، ۱۳۱۲.

- مقام ایران در تاریخ اسلام، تألیف مارگولیو، نشریات کمیسیون معارف، تهران:

چاپ اوّل، ۱۳۱۶.

نصایح اپیکتوس حکیم، نشریات کمیسیون معارف، تهران: چاپ اوّل، ۱۳۱۶.

در این گفتار به بررسی شعر رشید یاسمی در سه بخش زبان شعر، طرز سخن و

مضمون کلام خواهیم پرداخت:

### الف) زبان شعر

زبان شعر رشید تلفیقی از عناصر کهن و نو است. شاعر از هر دو مجموعه چنان بهره برگرفته است که خواننده در خوانش شعر هیچگاه احساس «ناهماهنگی و آشفتگی» نمی‌کند.

کلمات و ترکیبات متن یا گروهی هستند که در ساختار کلاسیک زبان شعر فارسی به کار رفته‌اند مانند: ارقم، سایس، صرصر، شنبلید، قنطره، چرخ ریمن، لؤلؤ رخشنده، دیب مور، جسر ممکنات، آبدان آسوده، چرخ آب‌نوس، هزار پیر، خیمه نزول و یا آن دسته از معادله‌ها که از زبانهای اروپایی و غالباً در اثر ترجمه، وارد زبان فارسی شده‌اند، مانند: توپ، خیابان، زارع، آزادی، هرّم، ناو، اسکی، تلفن، پاپ، دینامو، اروپا، پرتغال، سویس، ژاپن، اقیانوس پیما، راه آهن برقی، دوربین چرخ نورد، میزان هوا.

از دیگر شاخص‌های متن در شعر رشید، استفاده از حروف اضافه، پیشوندها و پسوندها و قیدهای قدیمی است که در ساختاری تلفیقی از آنها بهره برده است، مانند: اندر، اینسان، به... اندر، ار، مر، زی، بر، همی، فرود، فراز، راست، صعب، مانند:

مگر چو مادر پیر آیدم فراز مزار      نیابد ار چه بجوید بسی، مکان پسر

در بین صور خیال بالاترین بسامد به تشبیه اختصاص دارد و در مجموع اشعار،



ساختاری سه‌گانه دارد:

الف) نمونه بدیع که هر دو سوی تشبیه از نظر کاربرد تازگی دارد مانند: تشبیه دهان باز به پنجره باز، هوس به ماهی، هواپیما به پرنده آهنین استخوان، دل پردرد به تن پیران درون جوشن گیو، فواره به عصای بلور، درخت نارون به کتاب خاطرات کودکی، پایه چراغ برق به الماس در منقار کلاغ.

ب) یک سوی تشبیه برگرفته از تعبیرهای کهن و کلیشه‌ای است و سوی دیگر کاملاً بدیع مانند: نگاه کردن در چاه به نگریستن منجمان فرنگ به آسمان، شاخه نورسته به بازوی کارگر، کوه به سرمایه‌دار آزمند، هواپیما به مرغ قوم عیسی، اسکی به خنگ چوگانی، راه آهن به جوشن آهنین.

ج) گروهی که هر دو سوی تشبیه کاملاً کلیشه‌ای است مانند: برگ بید به پر طوطی، سبزه به کارگاه حریر، فلک به دریا، باد بهاری به مانی، ابر سیاه به زن زنگی، گردون به خیمه.

درباره اضافه‌های تشبیهی نیز اگر بپذیریم که ساختار تشبیه مفصل جدید به مرور و در اثر کثرت کاربرد به تشبیه مجمل تبدیل می‌شود، دلیل کلیشگی این نوع تشبیهات شعر رشید آشکار می‌گردد. تشبیهاتی نظیر: شهسوار خیال، نیزه آفتاب، لشکر شب، جامه جهل، روبه نفس.

جدا از اسلوب تشخیص کوتاه و پراکنده چون سخن گفتن با ابر و آب و آفتاب که شاخص چندان معتبری هم در صور خیال شعر رشید نیست، وقتی شاعر با دوات به عنوان ترجمان زمانه سخن گفته است و یا ساعتی با درخت نارون به درد دل نشست، در این گفتگوهای بالنسبه طویل، برای خواننده مایه اعجاب و تحسین را فراهم آورده است: بر روی میز من منشین بسته ای دوات / کز چون تویی نزدیک این صبر و این ثبات / در حیرتم ز تو که نجوشی ز جای خویش / ای چشمه حرارت و ای معدن حیات / بگشای لب که در تو بود راز روزگار / بردار سر که در تو بود سرکایانات / معنی ز تو درآید در خوابگاه لفظ / ذات از رخ تو بپوشد در پرده صفات<sup>۷</sup> / در بین صور خیال، با توجه به حجم اشعار، اسلوب بیان کنایی نیز در هر دو شیوه دیده می‌شود؛ تعبیر کلیشه آن مانند: بچه شاخ، باد در کف داشتن و کنایه با ساختار و



تعبیری کاملاً جدید مانند: بنگاه مرغان گردون نورد (... غرب)، نبات اجتماعی (... انسان)، آهنین سمک (کشتی).

در دیوان اشعار رشید، قالبهای مختلف شعری به ترتیب ذیل دیده می‌شوند: منقطعات به تعداد نوزده قالب، دو مستزاد، سی و شش قصیده، سی و شش غزل، چهل و سه قطعه، هفت رباعی و بیست و هشت مثنوی کوتاه و بلند.

از بین این قالبها آنچه در نوع خود جدید است، نوعی ترکیب‌بند است که شاعر آنها را «منقطعات» نامیده است. شعرهای: «آینه سیال» و «صبحانه شاعر» چهار پاره‌اند. یک مورد با عنوان «شبی در جنگل» چهار پاره‌ای است که برخی ابیات آن در چهار مصرع با یکدیگر هم قافیه‌اند و دیگر مصراعها از بیت اول و دوم هم قافیه و مصراعهای اول از بیت اول و دوم قافیه جدا دارند.

یک قالب با عنوان: «چاه» دارای ۹ خانه سه بیتی است که دو مصراع بیت اول و مصارع دوم از بقیه ابیات با یکدیگر هم قافیه‌اند. هفت قالب چهار بیتی با عنوانهای: «در آسمان»، «بر پل»، «اغتنام فرصت»، «سلاسل»، «دوات»، «تقویم» و «در خلوتگاه» و چهار قالب پنج بیتی به نامهای: «خزان»، در دو مصراع بیت اول و مصراعهای دوم سایر ابیات، تشابه قافیه دارند.

یک قالب به نام «وصل آرزو» دارای سه بیت است که دو بیت ابتدای آن هم قافیه و بیت سوم در حکم بیت بند است و قافیه جداگانه دارد.

یک قالب به نام: «توآمان» دارای دو بیت است که در آن بیت اول با مصراع اول از بیت دوم هم قافیه است و مصراع چهارم قافیه‌ای جداگانه دارد.

قالب دیگر «هوایما» با تک مصراع در وسط، یک بیت دارای دو مصراع با قافیه یکسان و تک مصراع در زیر و هم قافیه با تک مصراع اول، به شکل ذیل تنظیم شده است:

A \_\_\_\_\_

B \_\_\_\_\_

B \_\_\_\_\_

A \_\_\_\_\_

قالب دیگر به نام «بیژن» با بیتی آغاز می‌شود که دو مصراع با یکدیگر اختلاف قافیه



دارند پس از آن تک مصراعی زیر مصراع دوم از بیت اول و هم قافیه با آن قرار گرفته، سپس بیتی دیگر آمده که مصراع دوم آن با مصراع اول از بیت نخست هم قافیه است و زیر مصراع اول این بیت، تک مصراعی هم قافیه با آن قرار گرفته و در پایان یک بیت به عنوان بند با قافیه مستقل وجود دارد و به شکل ذیل تنظیم شده است:

B \_\_\_\_\_

A \_\_\_\_\_

B \_\_\_\_\_

C \_\_\_\_\_

A \_\_\_\_\_

C \_\_\_\_\_

D \_\_\_\_\_

D \_\_\_\_\_

بالاخره بخش منقطعات با دو قالب دیگر به پایان می‌رسد، یکی به نام «دفتر خاطر» مرکب از چهار بیت همقافیه و یک بند با قافیه جدا است و دیگری «دل افسرده» دارای یازده بیت است با قافیه مشترک و بندهایی با قافیه متفاوت در حد فاصل خانه‌های یازده گانه.



### ب) طرز سخن

در دیوان رشید یاسمی چند سبک متفاوت سخن در کنار یکدیگر توجه خواننده را به خود جلب می‌کند:

رنگ تقلید و تتبع از شیوه قدما بویژه در سبکهای خراسانی و عراقی نمودی آشکار دارد.

مختصات کلی سبک خراسانی نظیر افعال و لغات کهنه و غریب، قیدهای بیان علت ازیرا و ایرا، استفاده از قیدهای: اندر، اندرون، بر، پیش و پس از اسم، انواع باء: تخصیص، سبیه، تحذیر، لیاقت و تأکید، الف تفخیم و اعجاب و ترکیب افعال فارسی با مصادر عربی بویژه در قصاید و قطعات دیده می‌شود. در این بخش مخصوصاً تأثیر شاعرانی چون رودکی، لوکری، مسعود سعد و فرخی سیستانی دیده می‌شود:

بماند دوخته دو چشم من چو دو اخگر  
 شب دراز بر این اختران بازیگر  
 به پیش دیده هجران کشیده منظر شب  
 مهیب و زشت نمودی بسان کام سقر  
 مگر که غم جو یکی آبگینه است که چشم  
 نبیند از پس او جز به رنگ او کشور  
 بسان دودی گردون فرو گذاشته بال  
 ستاره لرزان چون در میان دود شرر  
 گهی نمایان بودندی اختران بر چرخ  
 گهی شدندی در ابر ناگهان مضمهر  
 چنانکه باد بپوشد گهی و دور کند  
 ز روی اخگر رخشان نقاب خاکستر  
 سپهر دایره کردار بود چون سپری  
 بر آن فروزان پروین چو میخهای سپر  
 مجرّه قنطره‌ای بود بر سر دریا  
 ستارگان را بر روی او بسیج سفر  
 بسان دیده من سرخ چهره بهرام

بسان چهره من زرد زهره ازهره<sup>۱</sup>  
 در غزلیات و رباعیات، تأثیر سبک عراقی کاملاً مشهود است. زبان شعر، آن سنگینی  
 و صلابت سبک خراسانی قصاید و قطعات را ندارد. حال و هوای تسلیم، اظهار اندوه و  
 ملامت در شعر نمایان است و شاعر خاصه از غزل سعدی و حافظ تأثیر بسیار پذیرفته  
 است.

کسی که مصلحت خود به این و آن نگذاشت

طلسم بسته در این کهنه هفتخوان نگذاشت

چو خود نکوشی و از بخت کام نستانی

مگو که بخت نیاورد و آسمان نگذاشت





به کشتزار وفا سیل بی‌وفایی و غدر  
 چنان گذشت که از خشک و تر نشان نگذاشت  
 فدای رطل‌گرانم که سرگرانی او  
 مجال جلوه به اندیشه‌گران نگذاشت  
 خوشا کسی که چنان آمد و چنان شد باز  
 که نقش پای بر این کهنه خاکدان نگذاشت  
 بگونه گل رخسار تو مصور طبع  
 میان باغ‌نگاری بر ارغوان نگذاشت  
 ز بوستان جمالت کسی که شد محروم  
 به سالها قدمی سوی بوستان نگذاشت  
 چنان در آینه دل فتاد پرتو یار  
 که هیچ جلوه‌گر از بهر این و آن نگذاشت  
 بدان امید که یابد نشان دوست رشید

نماند تیر دعایی که در کمان نگذاشت<sup>۹</sup>  
 آثار تجدد بویژه در منقطعات، برخی قطعه‌ها و مثنوی‌ها پدیدار شده است. لغات و  
 ترکیبات اروپایی، تصاویر جدید و مضامین تازه که اغلب از حکما و شاعران فرانسه  
 برگرفته، وی را در فراهم آوردن شیوه تازه یاری کرده است. البته رنگ تجدد‌گاه در  
 برخی اشعار مانند: «برق و ادیسون» و «سوئیس» بسیار تند است و بیشتر کلمات و  
 تعبیرات از گزینش شاعرانه بی‌بهره مانده‌اند.

هم اینجاست که خواننده مایه‌های آرکائیک و نو ساختار را به موازات یکدیگر در  
 کنار هم می‌بیند و البته «این دو عامل سبب نوسان سبک شعر او شده است»<sup>۱۰</sup>. دو  
 زنجیره لفظی - معنایی گریزان که مناسب با فرم شعر ترکیب نشده‌اند:

چراغ برق را بینی که برگردش حجابستی  
 تو گویی گرد قرص آفتاب اندر سحابستی  
 ولیکن ابر اگر دایم حجاب آفتابستی

حباب این چراغ او را نه حامل نه حجابستی



چراع از نفت و روغن نوربخش و نوریابستی  
 شگفتی بین که این روشن ز فولادین طنابستی  
 نشانده بر یکی پایه که بیخش در ترابستی  
 بدان ماند که الماسی به منقار غرابستی  
 یکی ظرف است کز دانش دینامو خطابستی  
 در او آن قوه چون آهنگ در تار ریابستی  
 چو از چرخیدن چرخ می‌مر او را انقلابستی  
 هماندم قوه را در سیم آهنگ شبابستی  
 هزاران سیم را زان سیم اصلی انشعابستی  
 سر هر سیم را با شیچراغی انتسابستی  
 اگر راهش هزاران میل در بیدا و غابستی  
 مر او را طرفة‌العینی ذهابستی، ایابستی  
 نزول او به سرعت همچو فرمان عذابستی  
 صعود او به تندی چون دعای مستجابستی  
 به سرعت همچو فکر اوستاد مستطابستی  
 ادیسون آنکه این صنعت مر او را انتخابستی<sup>۱۱</sup>



### ج) مضمون کلام

بیشترین مایه‌های توصیف در شعر رشید از طبیعت گرفته شده است. این نوع وصف گرچه با قالب خاصی ارتباط مستقیم ندارد اما در منقطعات، قصاید و مثنویها بیشتر دیده می‌شود. شاعر با استفاده از آن دسته مضامین طبیعت که با ذهنیت وی تناسب بهتری دارد، اغلب با تعبیرات جدید به توصیف روی آورده است.  
 در این شیوه تعبیر، دریا آینه سیالی است که ترکیب عنصری ندارد و سپهری را مانند که بر عرصه زمین گسترده است. شب جنگل خلوتی است که عروس خیال در آنجا چادر از سر برمی‌گیرد و آدمی به تجرید و تنهایی می‌رسد. آبدان موج، خفته‌ای است که خوابهای آشفته می‌بیند و گردباد برجی ایستاده از خاک بیخته است.

بنیان تعالیم اخلاقی در شعر رشید بر حکمت و عبرت است. گستردگی حوزه این موضوع مؤید این نکته است که: «رشید یاسمی از آن عقل که چشمه‌اش در درون جان است نیز بهره کافی و حظ وافى داشت<sup>۱۲</sup>». شاعر هرگز با اعتقادی جزم به نفی هوس تصریح نمی‌کند، بلکه معتقد است توسن هوا باید به دست عقل رام گردد. تکیه بر غیر نشانه ضعف است و این نکته زبان حال کدوبنی است که بر درخت چنار پیچیده است. اکنون باید به این سؤال خواننده پاسخ داد که: رشید به اندیشه‌های تصوّف توجه داشته است یا نه؟ در برخی از شعرها مانند: «سلاسل»، «دفتر خاطره» «راه»، «زندانی» شاعر شاهد غیبی را «میان صد حجاب اندر» به نظاره نشسته است یا گذار از مراتب سه‌گانه وجود و دست‌یافتن به حقیقت انسان آگاه را چونان مولانا در تعبیر گنجانده است و یا مقیم زندان هستی، در کنج قفس، یاد از گلشن آزاد قدس می‌کند. این دست مضامین جدا از تأملات خاص یک انسان و دگرگونی ادوار زندگی وی، به نظر می‌رسد بیشتر متأثر از مرده ریگ شعر عرفانی فارسی باشد تا حقیقت تجربه و دریافت. البته شاعر در بخش غزلیات از مضامین و تصویرهای عرفانی زیاد تأثیر پذیرفته و خاصه در آنجا سهم تعبیرات حافظ شیراز بیشتر است.

شعر فارسی آینه پیدا و پنهان زندگی شاعران است. بویژه از مشروطه به بعد که شاعر با صمیمیت و بی‌پروایی بیشتر، ابعاد زندگی شخصی خود را به تصویر می‌کشد. شعر رشید هم از این پیوند و بازتاب بی‌نصیب نمانده است. در این دست اشعار، رشید با پرداختن به «تقویم»، خاطرات گذشته را مرور می‌کند و «خلوتگاه» فرصتی مناسب فراهم می‌آورد تا از نجار برای نقص پنجره‌های خانه گله کند و یا به توصیف شیوه زندگی، موی و رخسار فرزندان «توآمان» خود، سیاوش و سیامک بپردازد. نیز وقتی همسر و فرزندان در آستانه «خانه» به استقبال شاعر می‌آیند، خواننده صداقت این برخورد را در کمتر گوشه‌ای از شعر فارسی می‌تواند سراغ بگیرد.

بخش عمده‌ای از این اشعار هم به موضوعات متنوع و جدید اختصاص یافته است: «هوایما» طایری آهنین استخوان و غالب بر هواست از آنکه بر هوا چیره شده است. «فواره» عصای بلورین و درخت شادمانی است که خرمی و طراوت را به باغ هدیه می‌کند. روشن شدن «چراغ برق» نزول عذاب را فراخاطر می‌آورد. شاعر در «شعر



دریایی» از سفر هند سخن می‌گوید و البته قالب قصیده تعبیّرات تازه مانند: اقیانوس پیما، مرغ ماهیخوار و غیر آن را نیک برمی‌تابد.

مجموعاً دخل و تصرف در قالب که رشید آن را تجربه کرد، توفیق استقبال و تکرار نیافت و شاعر در این مورد بیشتر به قالب اندیشید تا تناسب روانی و صف. نیز، زبان در نظام صرف و نحو خود نتوانست سیل کلمات و تعبیّرات جدید را پذیرا باشد و البته به این دو خصیصه بر شاعر ایراد نمی‌توان گرفت چرا که عصر رشید، دوره نواندیشی و به تبع آن نوجویی است و این همه در حدّ آزمون و گزینش است.

حاصل این تأملات، پیوندی تدریجی میان سنت و نو بود. رشید از سنت، تناسب ساختار قالب، روانی توصیف و از نو، ساده‌گویی و اقتباس مضمون از ادب اروپا را برگزید و حاصل این انتخاب آثاری شد که شایستگی تحسین و نقل پیدا کرد:

### خر و بلبل

مرا امروز مهمان کن به آواز  
که هر چیزی رهین آزمون است  
ولی آواز او هرگز ندیده  
بپاشید آتشی کاندرا جگر داشت  
به نغمه آتش افروز جهان شد  
چو کودک شد از آن لالای در خواب  
فروماند از جهیدن آب سیار  
دگر در شاخساران ره نپیمود  
عنان گله را از دست داده  
همی افکند بر آتش سپندی  
خر او را گفت: «اینجا نکته‌ای هست  
زالحان تو بعضی بی‌نمک نیست  
خروسان ده ما را بدیدی  
همی آموختی لحن دلاویز

خری با بلبلی گفت: «ای هوسباز  
مگر بینم که استادت چون است  
منم آوازه بلبل شنیده  
چو بلبل این شنید آواز برداشت  
نوایش از زمین بر آسمان شد  
درخت و کوه و دشت و برکه آب  
بیاسود از پریدن مرغ طیار  
تو گفتی باد از جنبش بیاسود  
شبان سرمست بر خاک اوفتاده  
به یاد یار می‌زد نوشخندی  
چو بلبل از سرودن لب فروبست  
توان گفتن که آوازت بدک نیست  
ولیکن کاش زحمت می‌کشیدی  
ز استادان خوشخوان سحرخیز



به تعلیم خروسان می شدی گم  
چو بلبل گوش کرد این داوری را  
به هم بر زد دو بال و دور شد، دور  
خدایا از خران ما را نگه دار

هر آن نقصی که داری در ترنم!«  
مجسم دید در قاضی خری را  
میان شاخساران گشت مستور  
وز این خر داوران ما را نگه دار<sup>۱۳</sup>

## پی نوشت ها:

- ۱- مقایسه کنید با: یوسفی، غلامحسین: چشمه روشن (دیداری با شاعران)، انتشارات علمی، تهران: چاپ پنجم، ۱۳۷۳، ص ۴۴۲.
- ۲- مقایسه کنید با: یاسمنی، رشید: دیوان، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران: چاپ دوم، ۱۳۶۲، مقدمه، ص ۳.
- ۳- یوسفی غلامحسین: چشمه روشن، ص ۴۴۲ و مقایسه کنید با:  
- اسحاق، محمد: تذکره سخنوران نامی ایران در تاریخ معاصر، نشر طلوع و سیروس، تهران: چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۱۱۵.  
- مؤید شیرازی، جعفر: شعر فارسی از مشروطیت تا امروز، نشر سپهر، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۳۶.
- ۴- مقایسه کنید با: یاسمنی، رشید: دیوان، مقدمه، ص چهار.
- ۵- همان کتاب، همانجا.
- ۶- همان کتاب، ص ۶۰.
- ۷- همان کتاب، ص ۱۵.
- ۸- همان کتاب، ص ۶۰.
- ۹- همان کتاب، ص ۵۹.
- ۱۰- همان کتاب، ص هفت.
- ۱۱- همان کتاب، ص ۸۰.
- ۱۲- همان کتاب، ص ۱۲.
- ۱۳- همان کتاب، ص ۱۷۰، مضمون شعر از کریلف است.



## **Tradition and Modernism Ties in Rashid Yasemi's Poetry**

Sayyed Jamal aldin Mortazavi, Ph.D.

### **Abstract**

*One of the distinguished figures of Iran's art and culture is Rashid Yasami, the master. He is the one who has written Persian poems with systematic innovations.*

*Presenting a short biography of the late master, Yasami, this article deals with his innovations in contemporary Persian poetry. As it turns out, his poems intertwine new and old elements in a code and concept coherence. As for the vocabulary and phrases, he utilizes figures of speech particularly well - placed innovated simoles of his own.*

*Various feet and formats, sporadic traditional styles, and new subject matters are the other features of Yasami's poetry which all point to his extraordinary mental and verbal capacities.*

